

برادران زنجانی



عصر چهارشنبه ۲ مرداد به همراه مرتضی به خانه قدیمی و باصفای حسین شاه حسینی رفتیم. پیرمردی که در آستانه هشتاد سالگی هنوز با انرژی زیادی برایمان سخن می گفت. او که از اعضای شاخص جبهه ملی ایران بوده و هست، در تاریخ معاصر به دو دلیل نامش ماندگار شده، یکی به دلیل اینکه نخستین رییس سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک پس از انقلاب بوده و دیگر آنکه آیت الله طالقانی در اوایل سال ۵۸ پس از بازداشت دو پسرش ناگهان ناپدید شد و بعدها معلوم شد که وی در این چند روز در باغ شاه حسینی در پیرامون کرج مشغول استراحت بوده است. عکس تاریخی شاه حسینی و طالقانی را با مرحوم سید احمد خمینی در آن باغ شاید دیده اید. سید احمد پس از تلاش فراوان از مخفی گاه مرحوم طالقانی مطلع شده و برای دلجویی از ایشان به باغ می رود. شاه حسینی به ما گفت که این باغ را بیش از پنجاه سال قبل به همراه مرحوم داریوش فروهر (از قربانیان قتل های زنجیره ای) و چند نفر از اعضای شاخص جبهه ملی خریده و سالهاست که در آنجا کشاورزی می کند. شاه حسینی اکنون مسئولیت آرامگاه دکتر مصدق در احمدآباد را نیز بر عهده دارد. او علاوه بر آنکه از روابط روشنفکران با روحانیت برای ما حرف ها داشت، از دو برادر نیز سخن گفت که نقش ماندگاری در تاریخ معاصر ایران ایفا کرده و در گمنامی تمام از میان ما رفته اند و امروز هم کمتر کسی از آنها یاد می کند. آیت الله حاج سید رضا زنجانی و آیت الله حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی (رحمت الله علیهما). شاه حسینی از نزدیک ترین افراد به این دو روحانی عالی مقام بوده و حتی وصی شرعی و قانونی برادر بزرگتر (حاج آقا سید ابوالفضل) شمرده می شود. حاج آقا رضا زنجانی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ رهبری نهضت مقاومت ملی ایران را بر عهده داشت و به گفته شاه حسینی حدود سی درصد منابع مالی نهضت را هم تأمین می کرد. حاج آقا رضا در آن سالهای زمستانی و سرد، پشت و پناه اصلی مبارزان و هواداران نهضت ملی شدن نفت بود و زندانی هم شد. او و برادر بزرگش حاج سید ابوالفضل تا پایان عمر از هواداران جدی دکتر مصدق بودند و در این راه سختی ها و آزارهای فراوانی را تحمل کردند. شاه حسینی از عظمت روحی حاج آقا رضا در زندان شاهنشاهی سخن ها گفت. از هراس احترام آمیزی که جلادان رژیم پهلوی از جمله تیمور بختیار نخستین رییس ساواک برای ایشان قائل بودند خاطره های شنیدنی داشت. از دیدار تاریخی علمای تهران با شاه پس از سرکوب غائله ۱۳۲۴ کمونیست ها در آذربایجان حرف زد و گفت که چگونه حاج آقا رضا زنجانی در آن دیدار که به درخواست محمد رضا شاه جوان و اهتمام آیت الله سید محمد بهبهانی شکل گرفته بود، شخصیت شاه را نادیده گرفته و حتی جرأت کرده جلوی اعلیحضرت سیگار روشن کند و پاسخ حرف های شاه را بدهد!

شاه حسینی از نامه حاج آقا رضا به امام خمینی سخن گفت که از طریق شهید آیت الله صدوقی به نجف برده شد. در این نامه آیت الله زنجانی که خود و برادرش سید ابوالفضل تقریباً هم سن و سال امام خمینی محسوب می شدند، از امام خواسته بود که به ایران بازگردد و به همراه دیگر علمای مبارز از فرصت ها بهره برده و شاه را وادار به عقب نشینی کند. اگرچه امام با این تقاضا مخالف کرده و تأکید کرده بود که هدف نهایی اش سقوط رژیم شاه است.



حاج آقا رضا که در دوران حیات شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم از نزدیکان خاص وی و مسوول مالی دفتر وی بوده، پس از پیروزی انقلاب به همراه برادر بزرگش و نیز دو فرزند مؤسس حوزه (حضرات آیات شیخ مرتضی و شیخ مهدی حائری یزدی) و نیز استاد محمد تقی شریعتی پدر دکتر شریعتی تصمیم می گیرند که هیچ گونه مسوولیت اجرایی را نپذیرند و تنها در صورت نیاز به امام خمینی مشاوره دهند و از ایشان نیز بخواهند که مانع از ورود روحانیون به مسایل اجرایی شوند. اگرچه امام نیز در آن زمان به شدت با این مسأله موافق بود و حتی در دو دوره نخست ریاست جمهوری مانع از کاندیداتوری روحانیون شد. پس از رحلت آیت الله طالقانی نیز هواداران وی تلاش زیادی کردند که حاج آقا رضا یا حاج سید ابوالفضل را جانشین طالقانی کنند که با مخالفت برخی نیروهای حاضر در دفتر امام (از جمله جریان مؤتلفه اسلامی) این بحث منتفی شده و آیت الله منتظری امام جمعه تهران شد. حاج آقا رضا زنجانی از حامیان بنی صدر بود و پسرش مرحوم سعید فرید نیز از مسوولین اصلی دفتر بنی صدر شمرده می شد. به همین دلیل متحمل فشارهایی شد و حتی زمانی که پس از برکناری بنی صدر و بازداشت پسرش، برای درمان بیماری سرطان قصد خروج از کشور را داشت، دو روز در فرودگاه معطل شد تا اجازه خروجش داده شود.



آیت الله حاج آقا رضا زنجانی یکی دو سال پس از قضایای سال ۱۳۶۰ درگذشت و پیکرش با وساطت آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی در حرم مطهر حضرت معصومه در قم دفن شد. جایی که اکنون آیت الله سید محمد شیرازی و برادرش سید حسن شیرازی نیز در آنجا به خاک سپرده شده اند.

آیت الله سید ابوالفضل مجتهد زنجانی برادر بزرگتر حاج آقا رضا نیز که به گفته شاه حسینی از نظر علمی بسیار شاخص بود، از علمای بزرگ مجاهد محسوب می شود. وی به همراه آیت الله طالقانی در بسیج مردمی برای مبارزه با اسرائیل نقش مهمی داشت. وی دارای نفوذ مردمی بالایی بود و برای همین طیف روشنفکران و مبارزان دیندار، مسجد الجواد (میدان هفت تیر) و مسجد حسینییه ارشاد را برای برپایی نماز جماعت به امامت ایشان بنا کردند. ایشان در زمان بازداشت مرحوم طالقانی به جای وی در مسجد هدایت نماز می خواند. او از نویسندگان مهم حوزوی هم شمرده می شد و به یاد دارم که همین چند سال پیش آیت الله خامنه ای در خطبه های نماز جمعه تهران یکی از نوشته های وی در باره پیامبر را روخوانی کرد. حتی مقدمه جالبی هم بر کتاب شهید جاوید نوشت که خواندنی است. حاج سید ابوالفضل زنجانی هنگام ورود امام به ایران با وجود مخالفت دیگر علمای شاخص تهران به عضویت کمیته استقبال از امام درمی آید تا وزنه این کمیته را افزایش دهد. او شخصاً در فرودگاه مهرآباد حاضر شد و از امام استقبال کرد. اگرچه در سالهای آغازین جمهوری اسلامی نیز او هم همانند برادرش حاج سید رضا منتقد جدی عملکرد جمهوری اسلامی شد. سرانجام این عالم مبارز و متنفذ حدود یک دهه پس از درگذشت حاج آقا رضا در سال ۱۳۷۱ درگذشت و شاه حسینی را مأمور نمود تا به عنوان وصی شرعی و قانونی اش، جنازه او را در نزدیکترین قبرستان به محل وفاتش و یا در نزدیکترین شهر به تهران دفن کنند و هیچ گونه تشریفات ویژه ای برای آیین دفن و ترحیم وی انجام نشود. حتی تأکید کرد که تنها نزدیکان وی به تشییع جنازه دعوت شوند و عمامه وی را هم بر روی تابوتش نگذارند. ضمناً خواست که در سریع ترین زمان ممکن جنازه اش دفن شود. شاه حسینی می گوید که به همین دلیل ایشان را در بهشت سکینه (اطراف کرج) به خاک سپردیم. جالب آنکه بر روی سنگ قبر ایشان نیز بنا به وصیت خودشان عنوان «آیت الله» نیز حک نشد. گفته بود فقط نام خود و پدرش و زمان مرگش نوشته شود. این نکته را هم باید بگویم که به دلیل جایگاه ویژه این دو برادر، نماز میت بر جنازه دکتر مصدق را حاج آقا رضا خواند و نماز آیت الله طالقانی را هم حاج سید ابوالفضل. از شاه حسینی درباره این گفته اخیر رفسنجانی پرسیدم که به زیباکلام نقل کرده بود آیت الله سید ابوالفضل زنجانی در جلسه ای به دکتر شریعتی گفته که شما جامعه شناس هستی ولی جامعه ایران را درست نمی شناسی. چرا که در این جامعه نمی شود به علامه مجلسی اهانت کرد و کاری پیش برد. شاه حسینی این گفته هاشمی رفسنجانی را تأیید کرد و گفت خود نیز در آن جلسه بوده است. وی حتی گفت که دکتر غلامحسین صدیقی پدر علم جامعه شناسی ایران و وزیر کشور دولت دکتر مصدق نیز به خود وی گفته که من به اندازه تو (شاه حسینی) جامعه ایران را نمی شناسم.

امیدوارم در فرصت های دیگر نکات شنیدنی دیگری از این دو عالم همشهری ام و نیز دیگر سخنان شنیدنی حسین شاه حسینی قهرمان سابق ورزش ایران و فعال با سابقه سیاسی برایتان بگویم.

تصاویر آیت الله حاج آقا رضا زنجانی را از کتاب «سلطنت علم و دولت فقر» نوشته علی ابوالحسنی مندر آورده ام و بابت کیفیت پایین آنها به دلیل قدیمی بودنشان پوزش می خواهم.

۴ مرداد ۱۳۸۷

منبع: تورجان